

به نام خدا

مدیریت و راهبردهایی برای عبور از پیری جمعیت

مؤلف:

فریده عبدالمهی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه: عبدالهی، فریده، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور: مدیریت و راهبردهایی برای عبور از پیری جمعیت / مولف فریده عبدالهی
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۱۲۳-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: مدیریت و راهبرد - پیری جمعیت
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مدیریت و راهبردهایی برای عبور از پیری جمعیت
مولف: فریده عبدالهی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زیرجد
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۱۲۳-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: مبانی و چشم‌انداز جمعیتی	۹
مفهوم گذار جمعیتی و علل کاهش باروری در جهان و ایران:	۱۰
وضعیت کنونی جمعیت ایران و روندهای آینده‌شناسی:	۱۴
عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کاهش زاد و ولد:	۱۶
بررسی پیامدهای تداوم کاهش باروری برای ایران:	۱۹
فصل دوم: پیامدهای کاهش زاد و ولد و پیری جمعیت	۲۵
تأثیر بر ساختار سنی و نسبت وابستگی جمعیت:	۳۰
پیامدهای اقتصادی (رشد اقتصادی، اشتغال، بهره‌وری):	۳۳
پیامدهای اجتماعی و فرهنگی (خانواده، ازدواج، انسجام اجتماعی):	۴۲
فشار بر نظام رفاه، بیمه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی:	۴۶
تحلیل وضعیت آینده ایران در صورت تداوم روند کنونی:	۴۹
فصل سوم: سیاست‌های جمعیتی و حمایت از فرزندآوری	۵۳
مرور سیاست‌های جمعیتی ایران از گذشته تا امروز:	۵۶
سیاست‌های تشویقی و حمایتی برای ازدواج و فرزندآوری:	۵۹
نقش حمایت‌های اجتماعی (مرخصی زایمان، مراقبت کودک، تعادل کار و خانواده):	۶۵
ارزیابی نقاط قوت و ضعف سیاست‌های فعلی در ایران:	۷۰

فصل چهارم: رویکرد دینی اسلام در مدیریت جمعیت و تشویق به فرزندآوری

۷۳

جایگاه ازدواج و فرزندآوری در قرآن و سنت پیامبر (ص): ۷۷

روایات و احادیث اسلامی درباره کثرت نسل و برکت فرزندان: ۷۹

نقش خانواده در نگاه اسلامی و اهمیت استمرار نسل مؤمنان: ۸۰

پیوند جمعیت با قدرت امت اسلامی و ابعاد اجتماعی - تمدنی آن: ۸۲

ظرفیت‌های فقهی و دینی برای سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران امروز: ۸۳

فصل پنجم: راهبردهای جامع برای عبور از پیری جمعیت در ایران ۸۵

تدوین الگوی جامع جمعیتی متناسب با شرایط ایران: ۸۸

راهبردهای اقتصادی (اشتغال پایدار، حمایت مسکن، کاهش هزینه فرزندآوری): ... ۹۱

راهبردهای فرهنگی و آموزشی (ترویج خانواده‌محوری، اصلاح سبک زندگی): ۹۴

راهبردهای نهادی و حکمرانی (تقویت نهادهای حمایتی، یکپارچه‌سازی سیاست‌ها):

..... ۹۷

نتیجه‌گیری : ۱۰۴

منابع ۱۰۷

مقدمه

پیری جمعیت یکی از مهم‌ترین تحولات جمعیتی و اجتماعی عصر حاضر است که به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین توسعه پایدار شناخته می‌شود. این پدیده نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته، بلکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز به سرعت در حال گسترش است. در ایران نیز طی چهار دهه اخیر، روند کاهش نرخ باروری و افزایش امید به زندگی موجب تغییرات قابل توجهی در ساختار سنی جمعیت شده است. بررسی داده‌های جمعیت‌شناسی نشان می‌دهد که ایران در حال عبور از مرحله‌ای حساس است که در آن کاهش نسبت جمعیت جوان و افزایش نسبت سالمندان می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت اجتماعی کشور داشته باشد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم جمعیت به عنوان موتور اصلی توسعه، نقش محوری در رشد اقتصادی، نوآوری، پویایی اجتماعی و حفظ انسجام ملی ایفا می‌کند. روند تحولات جمعیتی ایران حاکی از آن است که کاهش نرخ باروری از سطح جانشینی، یعنی کمتر از ۱/۲ فرزند به ازای هر زن، باعث شده است تا آینده جمعیت کشور به سمت سالمندی و کاهش نیروی کار حرکت کند. در حالی که در دهه‌های گذشته ایران یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های جهان را داشت، اکنون در آستانه ورود به مرحله‌ای قرار گرفته است که از آن به عنوان «پنجره جمعیتی بسته» یاد می‌شود. این تغییر ساختاری اگر بدون برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی رها شود، می‌تواند پیامدهایی چون کاهش توان رقابتی اقتصاد، افزایش فشار بر نظام‌های بازنشستگی و بیمه‌ای، افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی و کاهش پویایی اجتماعی را در پی داشته باشد.

پیری جمعیت تنها یک مسئله جمعیت‌شناختی نیست، بلکه یک مسئله چندوجهی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیتی دارد. از منظر اقتصادی، کاهش جمعیت فعال می‌تواند به کاهش نرخ رشد اقتصادی و کاهش بهره‌وری منجر شود. بسیاری از صنایع و بخش‌های اقتصادی وابسته به نیروی کار جوان هستند و جایگزینی آن‌ها با فناوری‌های نوین یا مهاجران می‌تواند چالش‌برانگیز و پرهزینه باشد. از منظر اجتماعی، کاهش زاد و ولد منجر به کوچک‌تر شدن خانواده‌ها، کاهش ارتباطات نسلی و تغییر در الگوهای حمایت متقابل می‌شود. خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در فرهنگ

ایرانی - اسلامی، با این روند در معرض تضعیف قرار می‌گیرد. از منظر فرهنگی، کاهش فرزندآوری می‌تواند ارزش‌های مرتبط با ازدواج، مادری و پدری، و استمرار نسل را تحت‌الشعاع قرار دهد. در نهایت از منظر امنیتی و سیاسی، کاهش جمعیت جوان به معنای کاهش توان دفاعی، کاهش قدرت نرم و سخت و کاهش نقش‌آفرینی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی است.

اگرچه پیری جمعیت در بسیاری از کشورها به عنوان یک روند طبیعی گذار جمعیتی پذیرفته شده است، اما سرعت این روند در ایران، همراه با زمینه‌های خاص اقتصادی و اجتماعی کشور، اهمیت مدیریت و راهبردهای دقیق را دوچندان می‌کند. در این میان، دو رویکرد اساسی وجود دارد: نخست مدیریت پیامدهای اجتناب‌ناپذیر پیری جمعیت و دوم تلاش برای اصلاح روند باروری و جوان‌سازی جمعیت. مدیریت پیامدها به معنای آماده‌سازی نظام‌های اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی برای پذیرش جمعیت سالمند است؛ در حالی که اصلاح روند باروری به معنای اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی است که ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری را تسهیل و تشویق کند. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند مسیر پایدارتری برای آینده کشور فراهم آورد.

در زمینه سیاست‌های جمعیتی، تجربه ایران نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته تأکید بر کنترل مولید و کاهش باروری، گرچه در دوره‌ای موجب تعدیل رشد سریع جمعیت شد، اما تداوم این سیاست‌ها و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه با آن، باعث کاهش بیش از حد نرخ باروری شده است. اکنون کشور نیازمند بازنگری اساسی در سیاست‌های جمعیتی است. این بازنگری باید بر پایه یک نگاه جامع به مسائل خانواده، اشتغال، رفاه اجتماعی، فرهنگ عمومی و ارزش‌های دینی صورت گیرد. بدین ترتیب، سیاست جمعیتی صرفاً یک سیاست در حوزه سلامت یا اقتصاد نیست، بلکه سیاستی چندبخشی است که باید هماهنگ میان نهادهای مختلف اجرا شود.

در این مسیر، توجه به آموزه‌های دینی اسلام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در منابع اسلامی، ازدواج و فرزندآوری نه تنها به عنوان یک امر فردی بلکه به عنوان امری اجتماعی و حتی عبادی مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (ص) بر اهمیت کثرت نسل و برکت فرزندان اشاره دارند و جامعه‌ای پرجمعیت و توانمند را مایه عزت امت

اسلامی می‌دانند. این نگاه می‌تواند پشتوانه‌ای فرهنگی و ارزشی برای سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران باشد. علاوه بر آن، توجه به نقش خانواده در آموزه‌های اسلامی می‌تواند به تقویت بنیان‌های اجتماعی و افزایش تمایل به ازدواج و فرزندآوری کمک کند.

در سطح جهانی، برخی کشورها تجربه‌های موفق‌تری در زمینه مقابله با پیری جمعیت و کاهش نرخ باروری داشته‌اند. سیاست‌های حمایتی در زمینه اشتغال زنان، مرخصی زایمان، حمایت‌های مالی و مسکن، و ایجاد تعادل میان کار و زندگی از جمله ابزارهایی بوده‌اند که توانسته‌اند نرخ باروری را تا حدودی افزایش دهند.

برای ایران، یکی از راهبردهای اصلی باید تمرکز بر تسهیل ازدواج جوانان باشد. علاوه بر آن، تغییر نگرش فرهنگی نسبت به فرزندآوری اهمیت دارد. در جامعه امروز، بسیاری از خانواده‌ها فرزند کمتر را به معنای رفاه بیشتر می‌دانند؛ در حالی که باید فرهنگ‌سازی شود که داشتن فرزند نه تنها بار اقتصادی نیست بلکه سرمایه‌ای برای آینده خانواده و جامعه است. رسانه‌ها، نظام آموزشی و نهادهای دینی می‌توانند نقش مهمی در اصلاح این نگرش ایفا کنند.

همچنین، توجه به عدالت اجتماعی در سیاست‌های جمعیتی ضروری است. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی قادر به داشتن فرزند بیشتر نیستند. بنابراین، سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که گروه‌های کم‌درآمد بیشترین بهره را ببرند. ایجاد زیرساخت‌های رفاهی مانند مهدکودک‌های ارزان و با کیفیت، خدمات بهداشتی و درمانی رایگان یا کم‌هزینه برای مادران و کودکان، و حمایت از زنان شاغل می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش نرخ باروری داشته باشد.

از سوی دیگر، مدیریت پیری جمعیت نیز باید همزمان دنبال شود. این امر شامل توسعه خدمات سلامت سالمندان، ایجاد بیمه‌های پایدار بازنشستگی، تشویق سالمندان به مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و استفاده از تجربیات آنان در عرصه‌های مختلف است. سالمندان می‌توانند به عنوان یک فرصت دیده شوند، نه صرفاً یک بار اقتصادی. بهره‌گیری از ظرفیتهای سالمندان در انتقال دانش، تجربه و فرهنگ می‌تواند به پویایی جامعه کمک کند.

نکته مهم در مقدمه هر مطالعه‌ای درباره جمعیت آن است که تغییرات جمعیتی بسیار کند و بلندمدت اتفاق می‌افتند. بنابراین، سیاست‌گذاری در این حوزه باید با نگاه آینده‌نگر و درازمدت صورت گیرد. تصمیمات امروز، پیامدهای خود را ده‌ها سال بعد نشان خواهند داد. در نتیجه، غفلت از این موضوع می‌تواند نسل‌های آینده را با بحران‌های جدی مواجه کند. همان‌طور که در حال حاضر نیز بخش زیادی از فرصت جمعیتی ایران در حال گذر است و اگر از آن استفاده نشود، جبران آن دشوار خواهد بود.

این کتاب با هدف بررسی ابعاد مختلف پیری جمعیت و ارائه راهبردهایی برای عبور از این پدیده در ایران تدوین می‌شود. در این مسیر، ابتدا مبانی و چشم‌انداز جمعیتی کشور و جهان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کاهش زاد و ولد و سالمندی جمعیت تحلیل خواهد شد. در ادامه، سیاست‌های حمایتی و جمعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و جایگاه آموزه‌های اسلامی در تشویق به فرزندآوری و تقویت خانواده تبیین خواهد شد. راهبردهای جامع ملی برای مدیریت این مسئله و ارائه نقشه راه آینده ایران پیشنهاد خواهد شد. امید است که این پژوهش بتواند گامی در جهت آگاهی‌بخشی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی برای عبور از چالش پیری جمعیت و حرکت به سوی توسعه پایدار در ایران باشد.

فصل اول

مبانی و چشم‌انداز جمعیتی

جمعیت به عنوان یکی از اساسی‌ترین متغیرهای شکل‌دهنده حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات توسعه دارد. هیچ نظام اقتصادی و اجتماعی‌ای نمی‌تواند بدون شناخت دقیق از ساختار و روندهای جمعیتی خود، مسیر توسعه پایدار را طی کند. جمعیت نه تنها از نظر کمیت بلکه از منظر کیفیت و ساختار نیز نقش تعیین‌کننده در پویایی یک کشور دارد. تحولات جمعیتی همواره همراه با تغییرات در الگوهای زندگی، فرهنگ، سیاست و اقتصاد بوده است. به همین دلیل علم جمعیت‌شناسی به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای، ابزارهای تحلیلی و مفهومی متنوعی را برای شناخت روندهای جمعیتی و پیامدهای آن‌ها فراهم کرده است. یکی از مفاهیم کلیدی در مبانی جمعیت‌شناسی، گذار جمعیتی است. نظریه گذار جمعیتی بیان می‌کند که جوامع از مراحل مختلفی در تغییرات باروری و مرگ‌ومیر عبور می‌کنند. در مراحل اولیه، نرخ موالید و مرگ‌ومیر هر دو بالا هستند و رشد جمعیت کم است. با بهبود شرایط بهداشتی و افزایش امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر کاهش می‌یابد و در نتیجه رشد جمعیت شتاب می‌گیرد. در مراحل بعدی، با تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، نرخ باروری نیز کاهش پیدا می‌کند و جمعیت به سوی تعادل جدیدی حرکت می‌کند. در بسیاری از کشورها، این گذار منجر به کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی شده و پدیده پیری جمعیت را رقم زده است. جمعیت علاوه بر کمیت، از نظر ترکیب سنی نیز اهمیت فراوان دارد. توزیع سنی جمعیت تعیین می‌کند که چه میزان از افراد در سنین کودکی، کار یا سالمندی قرار دارند. این توزیع به طور مستقیم بر ظرفیت تولید، مصرف و نیازهای رفاهی جامعه اثر می‌گذارد. نسبت وابستگی جمعیت که بیانگر نسبت جمعیت غیر فعال (کودکان و سالمندان) به جمعیت فعال است، شاخصی کلیدی در تحلیل‌های جمعیتی محسوب می‌شود. زمانی که جمعیت جوان غالب باشد، فشار بر نظام آموزشی و نیاز به ایجاد فرصت‌های شغلی بالا

می‌رود. زمانی که جمعیت سالمند افزایش یابد، فشار بر نظام بازنشستگی و خدمات بهداشتی بیشتر می‌شود. تهرانی، م. (۱۳۹۸).

مفهوم دیگری که در مبانی جمعیت‌شناسی اهمیت دارد، پنجره جمعیتی است. پنجره جمعیتی به دوره‌ای اشاره دارد که نسبت جمعیت فعال در یک کشور به حداکثر خود می‌رسد و فرصت ویژه‌ای برای رشد اقتصادی ایجاد می‌شود. این دوره معمولاً زمانی رخ می‌دهد که باروری کاهش یافته ولی هنوز نسبت سالمندان زیاد نشده است. بسیاری از کشورها توانسته‌اند با استفاده بهینه از این فرصت، رشد اقتصادی چشمگیری را تجربه کنند. اما این پنجره جمعیتی موقتی است و در صورت غفلت، به سرعت بسته می‌شود و جامعه وارد مرحله پیری جمعیت می‌شود. در کنار کمیت و ساختار سنی، کیفیت جمعیت نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. کیفیت جمعیت به عواملی چون سطح تحصیلات، سلامت، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی بستگی دارد. حتی اگر کشوری از نظر کمیت جمعیت در شرایط مطلوبی باشد، بدون ارتقای کیفیت جمعیت نمی‌تواند مسیر توسعه پایدار را بییماید. سرمایه انسانی به عنوان مهم‌ترین عامل تولید و پیشرفت در قرن بیست‌ویکم، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. تحولات جمعیتی ایران در نیم‌قرن اخیر نمونه بارزی از گذار جمعیتی شتابان است. در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نرخ باروری در ایران به سرعت کاهش یافت و از بیش از شش فرزند به کمتر از دو فرزند به ازای هر زن رسید. این تغییر سریع، یکی از کم‌نظیرترین تحولات جمعیتی در جهان به شمار می‌رود. هم‌زمان با افزایش امید به زندگی و بهبود شرایط بهداشتی، ساختار سنی جمعیت ایران نیز تغییر کرد. اکنون کشور در آستانه مرحله‌ای قرار گرفته که جمعیت سالمندان به طور پیوسته رو به افزایش است و نسبت وابستگی سالمندی در حال رشد است. جهانگیری، ر. (۱۳۹۶).

مفهوم گذار جمعیتی و علل کاهش باروری در جهان و ایران:

گذار جمعیتی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در علم جمعیت‌شناسی است که به تغییرات بلندمدت در الگوهای باروری و مرگ‌ومیر در جوامع مختلف اشاره دارد. این نظریه توضیح

می‌دهد که چگونه جوامع از یک مرحله ابتدایی که در آن نرخ تولد و مرگ‌ومیر هر دو بالا هستند به سمت مرحله‌ای حرکت می‌کنند که نرخ باروری و مرگ‌ومیر هر دو پایین است و در نهایت تعادل جدیدی در سطح جمعیت ایجاد می‌شود. این فرآیند معمولاً با تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی همراه است و آثار عمیقی بر ساختار سنی، ترکیب جنسی، نرخ رشد جمعیت و پویایی‌های اجتماعی دارد. در مراحل اولیه تاریخ بشر، جمعیت‌ها در شرایطی زندگی می‌کردند که بیماری‌ها، قحطی‌ها و نبود امکانات پزشکی موجب مرگ‌ومیر بسیار بالا می‌شد. در چنین جوامعی خانواده‌ها معمولاً تعداد زیادی فرزند داشتند زیرا بخش زیادی از کودکان در سال‌های نخستین زندگی جان خود را از دست می‌دادند. در این مرحله، نرخ تولد و مرگ‌ومیر هر دو بالا بود و در نتیجه رشد جمعیت کند و ناپایدار بود. با پیشرفت علم پزشکی، بهبود تغذیه و توسعه بهداشت عمومی، نرخ مرگ‌ومیر به تدریج کاهش یافت. این کاهش مرگ‌ومیر در حالی رخ داد که نرخ باروری همچنان بالا بود و همین امر موجب رشد سریع جمعیت شد. این مرحله در بسیاری از کشورها با انفجار جمعیتی شناخته می‌شود. تغییرات اجتماعی و اقتصادی نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات و تغییر نقش زنان در جامعه موجب کاهش نرخ باروری شد. خانواده‌ها دیگر نیازی به داشتن تعداد زیاد فرزند برای بقا و کار نداشتند و در عوض ترجیح دادند تعداد فرزندان کمتر اما با کیفیت تربیتی و آموزشی بالاتر داشته باشند. این تغییر نگرش، مرحله‌ای را رقم زد که در آن نرخ تولد کاهش یافت و در نهایت به سطحی نزدیک به نرخ مرگ‌ومیر رسید. در این مرحله، رشد جمعیت کند شد و ساختار سنی به سمت تعادل جدیدی حرکت کرد.

امروزه بسیاری از کشورها در مراحل پایانی گذار جمعیتی قرار دارند که مشخصه آن کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی است. سطح جانشینی به معنای تعداد فرزندان است که هر زن باید به دنیا آورد تا جمعیت در سطح ثابت باقی بماند و معمولاً حدود ۱/۲ فرزند به ازای هر زن است. وقتی باروری به زیر این سطح برسد، جمعیت در بلندمدت کاهش می‌یابد و جامعه با پدیده پیری جمعیت مواجه می‌شود. ایران نیز طی چند دهه اخیر چنین روندی را تجربه کرده و اکنون در آستانه یکی از بزرگ‌ترین تغییرات جمعیتی تاریخ خود

قرار دارد. علل کاهش باروری چندوجهی هستند و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روان‌شناختی در این روند نقش دارند. یکی از عوامل اصلی، تغییرات اقتصادی است. افزایش هزینه‌های زندگی، به ویژه هزینه‌های مرتبط با مسکن، آموزش و بهداشت، باعث شده است بسیاری از خانواده‌ها تمایل به داشتن فرزندان کمتر داشته باشند. در گذشته، فرزندان نیروی کار خانواده محسوب می‌شدند و نقش اقتصادی مستقیم داشتند، اما امروز هزینه‌های پرورش فرزند بسیار بالاتر رفته و نگاه اقتصادی به فرزندآوری تغییر کرده است.

عامل دیگر، تحولات اجتماعی و تغییر سبک زندگی است. با گسترش شهرنشینی، خانواده‌ها از شکل گسترده سنتی به خانواده‌های هسته‌ای کوچک‌تر تغییر کرده‌اند. در چنین خانواده‌هایی، فرزند بیشتر به معنای فشار اقتصادی و اجتماعی بیشتر است. همچنین افزایش سطح تحصیلات، به ویژه در میان زنان، موجب شده است که سن ازدواج بالاتر رود و در نتیجه فرصت باروری کاهش یابد. زنان تحصیل کرده اغلب به دنبال دستیابی به جایگاه شغلی و اجتماعی هستند و همین امر موجب تأخیر در ازدواج و فرزندآوری می‌شود. تغییر نگرش فرهنگی نسبت به فرزند نیز از علل مهم کاهش باروری است. در بسیاری از جوامع، فرزند کمتر به معنای کیفیت بهتر زندگی تلقی می‌شود. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند منابع مالی و توجه خود را صرف تعداد کمتری از فرزندان کنند تا بتوانند امکانات آموزشی و رفاهی بیشتری برای آن‌ها فراهم آورند. این تغییر نگرش در ایران نیز به شدت مشهود است و بسیاری از خانواده‌ها داشتن یک یا دو فرزند را کافی می‌دانند. عوامل روان‌شناختی و فردی نیز در کاهش باروری مؤثرند. اضطراب‌های ناشی از شرایط اقتصادی، نگرانی نسبت به آینده شغلی و رفاهی، و ترس از مسئولیت‌های سنگین فرزندآوری موجب کاهش تمایل زوجها به داشتن فرزندان بیشتر می‌شود. تغییر نقش‌های جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در بازار کار نیز از دیگر عوامل کاهش باروری است. زنان شاغل با چالش تعادل میان کار و خانواده مواجه‌اند و در بسیاری از موارد تصمیم می‌گیرند تعداد کمتری فرزند داشته باشند.

در ایران، مجموعه‌ای از این عوامل موجب شده است که باروری به شدت کاهش یابد. سیاست‌های گذشته در زمینه تنظیم خانواده نیز نقش مهمی در این روند ایفا کرده است. در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ برنامه‌های کنترل جمعیت با موفقیت اجرا شد و نرخ باروری به سرعت کاهش یافت. اما پس از آن، ادامه روندهای اقتصادی و اجتماعی و تغییرات فرهنگی باعث شد که باروری به زیر سطح جانشینی برسد و تاکنون نیز بازگشتی به سطح جایگزینی نداشته باشد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار، تغییر در ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی است. در گذشته، داشتن فرزندان بیشتر نشانه قدرت و جایگاه اجتماعی خانواده بود، اما امروز ارزش‌های فردگرایانه و تمایل به استقلال فردی موجب شده است که فرزندآوری کمتر مورد توجه قرار گیرد. رسانه‌ها، سبک زندگی مدرن و گسترش الگوهای مصرف‌گرایانه نیز به این تغییر نگرش دامن زده‌اند. از منظر جمعیت‌شناسی، کاهش باروری پیامدهای جدی برای آینده یک کشور دارد. ساختار سنی به سمت سالمندی پیش می‌رود و نسبت وابستگی سالمندان افزایش می‌یابد. این تغییر ساختاری نه تنها فشار بر نظام بازنشستگی و سلامت را افزایش می‌دهد، بلکه موجب کاهش نیروی کار جوان و کاهش پویایی اقتصادی می‌شود. در سطح اجتماعی، کوچک‌تر شدن خانواده‌ها و کاهش فرزندآوری می‌تواند بر انسجام نسلی و حمایت‌های خانوادگی تأثیر بگذارد. در سطح فرهنگی، ارزش‌های مرتبط با خانواده و تداوم نسل تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مفهوم گذار جمعیتی نشان می‌دهد که تغییرات جمعیتی اجتناب‌ناپذیر و بلندمدت هستند، اما شدت و سرعت آن‌ها به عوامل مختلف بستگی دارد. علل کاهش باروری پیچیده و چندلایه‌اند و برای مقابله با پیامدهای آن، سیاست‌های جمعیتی باید همه‌جانبه و هماهنگ باشند. افزایش حمایت‌های اقتصادی، تسهیل ازدواج، فرهنگ‌سازی در زمینه ارزش‌های خانواده و فرزندآوری و ایجاد تعادل میان کار و زندگی می‌تواند بخشی از راهکارها برای مدیریت این روند باشد. در غیر این صورت، جوامع با چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد که جبران آن‌ها دشوار و پرهزینه خواهد بود. محمدی، س. (۱۳۹۷).

در بررسی علل کاهش باروری نمی‌توان از نقش تغییرات در ارزش‌ها و باورهای فرهنگی غافل شد. بسیاری از جوامع معاصر با دگرگونی در نگرش به فرزند و خانواده مواجه شده‌اند.

در گذشته، داشتن فرزندان زیاد نه تنها امری طبیعی بلکه نشانه‌ای از توان و منزلت اجتماعی به شمار می‌رفت. اما در دنیای مدرن، ارزش‌های فردگرایانه به تدریج جایگزین ارزش‌های جمع‌گرا شده و تمایل به اولویت دادن به کیفیت زندگی فردی، تحصیل، رفاه، سفر و پیشرفت شغلی، بر تصمیم‌گیری‌های باروری اثر گذاشته است. این تغییرات ارزشی در کنار رشد رسانه‌ها و افزایش تبادل فرهنگی میان کشورها، نگرش نسل جوان را نسبت به مسئولیت‌پذیری در قبال فرزندداری تحت تأثیر قرار داده و باروری را به انتخابی آگاهانه و بعضاً محدودکننده تبدیل کرده است.

از سوی دیگر، افزایش سطح تحصیلات به ویژه در میان زنان تأثیر مهمی بر کاهش نرخ باروری داشته است. آموزش عالی به زنان این امکان را داده که فرصت‌های شغلی و اجتماعی بیشتری را تجربه کنند و این امر به تأخیر در ازدواج و کاهش تمایل به فرزندآوری منجر شده است. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که هرچه سطح تحصیلات زنان افزایش یابد، فاصله زمانی بین ازدواج و نخستین فرزند بیشتر می‌شود. (حیدری، ر. (۱۳۹۵).

وضعیت کنونی جمعیت ایران و روندهای آینده‌شناسی:

در وضعیت کنونی، جمعیت ایران در مرحله‌ای حساس از تحولات جمعیتی قرار گرفته است که آینده آن نیازمند تحلیل دقیق و آینده‌پژوهی علمی است. طی چهار دهه اخیر، نرخ باروری کل در ایران از بیش از شش فرزند برای هر زن به کمتر از دو فرزند کاهش یافته و این تغییر شتابان، کشور را با یکی از سریع‌ترین فرایندهای گذار جمعیتی در جهان مواجه کرده است. کاهش نرخ باروری در ایران نه تنها حاصل تغییرات اقتصادی و اجتماعی بوده بلکه تحت تأثیر دگرگونی در نگرش‌ها، افزایش سطح آموزش، ورود گسترده زنان به بازار کار، رشد شهرنشینی، تغییر الگوهای مصرف و نیز توسعه بهداشت و درمان قرار گرفته است. پیامد این روند آن است که ساختار سنی جمعیت ایران به سمت سالمندی حرکت می‌کند و پنجره جمعیتی که هم‌اکنون به دلیل سهم بالای جمعیت فعال باز است، در آینده‌ای نه چندان دور بسته خواهد شد. بر اساس برآوردهای رسمی، در صورت تداوم روند موجود، تا میانه قرن حاضر سهم جمعیت سالمند کشور می‌تواند به بیش از یک‌سوم کل

جمعیت برسد و این امر فشار سنگینی بر نظام‌های بازنشستگی، بهداشت و درمان و حمایت اجتماعی وارد خواهد کرد. از منظر آینده‌شناسی جمعیتی، ایران با سه سناریوی محتمل روبه‌روست. سناریوی نخست ادامه روند کنونی کاهش باروری و رسیدن به ساختار جمعیتی به شدت سالمند است که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای خواهد داشت. سناریوی دوم، توقف کاهش و تثبیت نرخ باروری در سطحی نزدیک به جانشینی است که می‌تواند روند پیری جمعیت را کندتر سازد اما همچنان چالش‌های بلندمدت را باقی می‌گذارد. سناریوی سوم، بازگشت تدریجی به باروری بالاتر از سطح جانشینی است که با سیاست‌های حمایتی قوی و تغییر نگرش‌های فرهنگی امکان‌پذیر خواهد بود و می‌تواند تعادل جمعیتی را تا حدودی بازگرداند. نکته مهم آن است که تحقق هر یک از این سناریوها، نه تنها به سیاست‌های جمعیتی دولت وابسته است، بلکه به مشارکت اجتماعی، فرهنگ‌سازی و شرایط اقتصادی نیز ارتباط مستقیم دارد.

ایران در حال حاضر با پدیده "جوانی در حال عبور" مواجه است. بدین معنا که بخش بزرگی از جمعیت جوان امروز، طی دو دهه آینده وارد میانسالی خواهد شد و اگر نرخ باروری در این مدت افزایش نیابد، کشور به سرعت با کمبود نیروی کار جوان و افزایش بار تکفل سالمندان مواجه خواهد شد. این وضعیت، رشد اقتصادی، نوآوری، پویایی اجتماعی و حتی امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آینده‌شناسی جمعیت ایران نشان می‌دهد که بازه زمانی کوتاهی برای استفاده بهینه از فرصت پنجره جمعیتی باقی مانده است و عدم برنامه‌ریزی در این دوره می‌تواند موجب ورود کشور به چرخه‌ای از رکود جمعیتی و اقتصادی شود.

از منظر سیاست‌گذاری، آینده جمعیت ایران نه تنها به شاخص‌های کمی مانند نرخ باروری و مرگ‌ومیر وابسته است، بلکه به کیفیت جمعیت نیز پیوند دارد. سرمایه انسانی، سطح آموزش، سلامت و توانمندی نسل‌های آینده از جمله عواملی است که آینده توسعه ایران را شکل می‌دهد. به همین دلیل، مدیریت جمعیت صرفاً به معنای افزایش تعداد مولود نیست، بلکه بهبود کیفیت زندگی خانواده‌ها، ارتقای وضعیت زنان و مردان در نقش‌های